



حج، عامل شکوفایی فرهنگی، آگاهی سیاسی و رشد اقتصادی

حافظ نجفی

«حج» از تکالیف و واجبات دینی است و در صورت فراهم بودن شرایط، تنها یک بار در طول عمر، بر انسان واجب می‌شود. به گفته روایات، حج از ارکان اسلام است. امام باقر علیه السلام فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ؛ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»^۱

«اسلام بر پنج پایه استوار است؛ نماز، زکات، روزه، حج و ولایت.»

اگر فردی یا جماعتی حج را از روی عمد ترک کنند، در واقع رکنی از ارکان دین را زیر پا نهاد ه‌اند. انجام ندادن و ترک فریضه حج، گاه فردی است؛ یعنی فرد مکلفی از فرمان الهی تمرد نموده، این واجب الهی را ترک می‌کند و گاه جمعی؛ یعنی مردم به طور عموم از انجام حج سر باز می‌زنند. روشن است که ترک حج مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است؛ چه از سوی فرد خاص باشد و چه از جانب جمع و عموم مردم، در هر صورت خشم الهی شامل کسانی است که حج را ترک نمایند و به خداوند کفر عملی ورزند:

پی آمدهای فردی و سیاسی - اجتماعی ترک حج:

۱. فردی

ترک فریضه حج از دیدگاه فردی، به معنای عصیان و تمرد انسان در برابر فرمان الهی است که سبب کفر می‌شود؛ چنان‌که خداوند متعال، از ترک عمدی حج، به «کفر» تعبیر کرده است:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۲

حج عامل شکوفایی فرهنگی، آگاهی سیاسی و رشد اقتصادی

«و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه [او] کنند؛ آنان که توانایی رفتن به سوی آن را دارند. و هر کس کفر ورزد [و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده]؛ خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.»

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

﴿إِذَا قَدَرَ الرَّجُلُ عَلَى الْحَجِّ فَلَمْ يَحُجَّ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ﴾^۳

«هرگاه کسی توانایی بر حج داشته باشد [و از روی سهل‌انگاری]، حج به جا نیاورد، همانا شریعت و آیینی از آیین‌های اسلام را ترک کرده است.»

۲. اجتماعی و سیاسی

نتیجه اجتماعی-سیاسی ترک حج، ضعف نیروی دین و استیلا کافران بر مسلمانان است. با توجه به همین نکته، امام صادق علیه السلام فرمود:

﴿لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوْا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ وَلَوْ تَرَكَوْا زِيَارَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ﴾^۴

«اگر مردم رفتن به حج را ترک کنند، بر حاکم اسلامی است که آنان را بر این کار و بر حضور در کنار خانه خدا وادار کند و اگر زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را هم ترک کنند، بر حاکم اسلامی است که آنان را به زیارت قبر پیامبر و بودن در کنار مرقد ایشان وادار نماید. اگر آنان مال [و هزینه سفر حج را] نداشتند، حاکم از بیت‌المال مسلمانان [هزینه‌ها را] پرداخت می‌کند.»

این حدیث، بیانگر این مسئله مهم است که حج، هیچ‌گاه تعطیل نمی‌شود؛ به طوری که ولی امر مسلمین وظیفه دارد در صورت خلوت شدن خانه خدا و حرم پیامبر، عده‌ای را با هزینه بیت‌المال به این سفر اعزام کند تا شکوه دین حفظ شود و آثار و برکات اجتماعی و سیاسی حج از بین نرود؛ چرا که این کار، یکی از مصداق‌های «تعظیم شعائر» است که در قرآن کریم نیز به آن اشاره دارد.^۵ به گفته روایات، اگر مسلمانان از روی بی‌اعتنایی، زیارت کعبه و حرم پیامبر را ترک کنند، عقوبت الهی دامنگیرشان خواهد شد. امام علی علیه السلام در آخرین وصیت خود به امام حسن و امام حسین علیه السلام فرمود:

﴿وَاللَّهِ، اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقَيْتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَاطِرُوا﴾^۶

«خدا را، خدا را [در نظر داشته باشید] در بارهٔ خانهٔ پروردگارتان؛ آن را تا زنده هستید خالی نگذارید. اگر آنجا رها شود، [عذاب بر شما نازل شود] و مهلت داده نخواهد شد.»

در آیات و روایات دربارهٔ فلسفهٔ وجوب حج و پی آمدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن، نکات مهمی بیان شده است که در اینجا به طور گذرا به آنها اشاره می‌کنیم:

اهمیت حج و نقش آن در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و...

الف) فرهنگی و اجتماعی

با توجه به حضور میلیونی و همه سالهٔ مسلمانان در مراسم حج، می‌توان از این فرصت برای شناخت نقاط قوت و ضعف مسلمانان و مبادلهٔ فکری و فرهنگی استفاده کرد. مبلغان دین و رهبران فکری، باید با استفاده از این فرصت، تعالیم دینی و فرهنگی را در زمینه‌های مختلف بازگو کنند و بر آشنایی مردم عالم به فرهنگ نورانی اسلام بیفزایند. به همین دلیل قرآن کریم کعبه را عامل هدایت جهانیان معرفی می‌کند:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾^۷

«نخستین خانه‌ای که برای مردم [و نیایش خداوند] قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه واقع شده که پربرکت و مایهٔ هدایت جهانیان است.»
خداوند کعبه را مایهٔ هدایت جهانیان می‌خواند، چون آنجا قبلهٔ مسلمانان جهان و نماد زنده و پایندهٔ اسلام است.

در روایات نیز بر نقش فرهنگی و اجتماعی حج تأکید شده است؛ «هشام بن حکم»، یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: «از آن حضرت دربارهٔ فلسفهٔ حج و طواف کعبه پرسیدم؛ فرمودند:

«أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ ... وَ أَمَرَهُمْ بِهَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَ مَصْلَحَتِهِمْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُمْ، فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا... وَ لِيَتَعَرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ وَ تُعَرَفَ أَخْبَارُهُ وَيُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى»^۸.

«خداوند این بندگان را آفرید ... و دستوراتی در زمینهٔ اطاعت الهی در دین و مصلحت زندگی دنیا به آنها داد؛ از جمله اجتماع مردم شرق و غرب را در آیین حج مقرر داشت، تا مسلمانان یکدیگر را به خوبی بشناسند ... و همچنین این اجتماع عظیم، عاملی است برای اینکه آثار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ و اخبار او شناخته شود و مردم آنها را به خاطر

آورند و هرگز فراموششان نکنند.»

از این دیدگاه، حج می‌تواند به کنگره‌ای فرهنگی و مرکزی برای تبادل نظر اندیشمندان اسلامی تبدیل شود. اندیشمندان اسلامی در ایام حضور در حج، باید گرد هم آیند و افکار و ابتکارات خویش را به هم عرضه کنند و برای گسترش تعالیم اسلام و مقابله با یورش فرهنگی بیگانگان تدبیر نمایند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام کعبه را پرچم اسلام شمرده، می‌گوید: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِّلْإِسْلَامِ عَلَمًا»؛ «خداوند سبحان، کعبه را پرچم و نشانه اسلام قرار داد.»

نقش برپایی پرچم در میدان‌های جنگ، در حفظ روحیه سربازان و تقویت و ایستادگی آنان در برابر دشمن، بر کسی پوشیده نیست؛ اگر پرچم به زمین بیفتد، سپاه شکست می‌خورد. همچنین وجود نشانه‌های مختلف در کوچه و خیابان برای یافتن مقصد، امری حیاتی و ضروری است. اگر کعبه در کلام علی علیه السلام، نشانه اسلام معرفی شده، به این دلیل است که برپایی حج در هر سال، بیانگر استقرار و پایداری دین و حاکمیت قوانین آن در پهنه گیتی است. این مرکز معنوی، می‌تواند چراغ راه کسانی باشد که در شناخت حقایق و تعالیم دین اسلام، دچار اشتباه و انحراف می‌شوند؛ آنان می‌توانند با دیده تحقیق به مناسک حج و موقعیت خانه خدا بنگرند و مشخصات اسلام واقعی را در حج بیابند. از این رو امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»؛ «دین خدا سر پا و زنده است، مادام که کعبه پا برجاست.»

ب) سیاسی و اجتماعی

مروری بر شیوه برگزاری حج در صدر اسلام و رخدادهای مربوط به آن نشان می‌دهد که یکی از کارکردهای اساسی حج، ارتقای بینش سیاسی مسلمانان است؛ زیرا با بررسی تاریخ صدر اسلام، در می‌یابیم که مرزبندی اعتقادی و اجتماعی - سیاسی بین مسلمانان و مشرکان، در ایام حج صورت گرفت.

با توجه به فتح مقتدرانه مکه در سال هشتم پس از هجرت، بسیاری از مسلمانان در سال نهم هجرت، عازم حج شدند. با نزول آیات برائت،^{۱۱} خدای متعال دستور داد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را مأمور اعلام برائت از مشرکان کند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در اجتماعی عظیم که مسلمانان و مشرکان حضور داشتند، در روز عید قربان یا عرفه،^{۱۲} به صورت رسمی، با شمشیر برهنه‌ای که در دست داشت، خطبه‌ای خواند و آیات سوره توبه را همراه احکامی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود، ابلاغ کرد.^{۱۳} در این پیام، خدا و رسولش، از شرک و مشرکان اعلام بیزاری کرده و از آنها خواستند تا در یک فرصت چهار ماهه، تصمیم نهایی خود را برای پذیرش اسلام یا مقاومت در برابر آن بگیرند.

بدین سان، شرک تا چندی پس از آن، به طور کامل از میان رفت.

در سال دهم هجرت، پیامبر ﷺ، نخستین حج خود را به همراه هزاران تن از پیروان خویش انجام داد. در این مراسم بود که آیین حج از سوی رسول الله ﷺ به طور کامل تشریح و بیان شد. آن حضرت در خطبه‌ای که به خطبه حجة الوداع (آخرین حج) معروف است، نصیحت‌های فراوانی به مردم کرد. با نزول آیه ۶۷ سوره مائده، آن حضرت از سوی خداوند مأمور شد جانشین خود و رهبر جامعه اسلامی را مشخص کند؛ ﴿أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾.

پیامبر خدا ﷺ در بازگشت از سفر حج، در روز هجدهم ذی حجه، در غدیر خم، علی را به جانشینی خویش برگزید و همه مسلمانان نیز با علی بیمان بستند؛ هرچند گروهی آن عهد و پیمان الهی را خیلی زود شکستند!

همچنین تاریخ گواهی می‌دهد که ائمه اطهار و اصحابشان، از این موسم به نفع اسلام بهره می‌گرفتند و هسته بسیاری از حرکت‌ها و جنبش‌های آزادی بخش را در این موسم شکل می‌دادند و ملت‌ها را به مبارزه با حاکمان ظالم دعوت می‌کردند. در این مورد کافی است به روش حضرت امام حسین در نهضت خونبار کربلا توجه کنیم؛ هنگامی که آن حضرت برای مبارزه با یزید قیام کردند، برای ابلاغ پیام خود به شهر مکه مهاجرت کردند و تا زمان آغاز موسم حج، در آن شهر اقامت نمودند و پیام‌ها و اهداف قیام را به گوش مردم رساندند. آن حضرت در کمال ناباوری همگان، روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویة) که همه برای انجام حج آماده می‌شدند، از مکه خارج شدند.

ج) تربیتی و معنوی

حج عاملی مؤثر برای تربیت، خودسازی و دگرگونی است. انسان در این سفر باید دگرگون شود، گذشته را اصلاح کند و راه آینده را از کنار کعبه و پاکترین نقطه جهان آفرینش آغاز کند. وقتی انسان تصمیم به حج می‌گیرد، باید قصدش مهاجرت الی الله باشد. امام صادق بیاید: «إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحِجَابٍ كُلِّ حَاجِبٍ...»^{۱۴}. همچنین آن حضرت در زمان احرام فرمود: «أَحْرِمَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ»^{۱۵}.

وقتی شخص مُحرم می‌شود، در ظاهر تنها لباس احرام را می‌پوشد و جنبه‌های ظاهری آن را رعایت می‌کند؛ اما حقیقت و باطن احرام، دل بریدن از غیر خداست. حج هنگامی از حقیقت متعالی برخوردار می‌شود که تنها با هدف اطاعت از دستورات الهی و رسیدن به قرب پروردگار صورت گیرد.

تمام اعمال واجب و مستحب حج و عمره، گام‌هایی برای تربیت انسان است. این اعمال، در صورتی عبادت حقیقی محسوب می‌شوند که حج گزار با روح و حقیقت آنها آشنا و با انجام آنها به حضرت حق نزدیک شود و برای حفظ آثار این اعمال و دوری از گناهان، تصمیم جدی داشته باشد. از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است که فرمود:

«اگر کسی به زیارت خانه خدا و حج موفق شد و بازگشت و انسان صالحی شد و دست و پای او به سوی گناه نرفت، این نشانه قبولی حج اوست. اگر چنین اتفاقی افتاد، معلوم می‌شود که حاجی به هدف واقعی از حج، که تربیت معنوی و اخلاقی است، رسیده است. اما اگر بعد از زیارت خانه خدا، باز تن به تباهی و گناه داد، دانسته می‌شود که حج او مردود است.»^{۱۶}

د) اقتصادی

برخلاف ادعای برخی از افراد ناآگاه که می‌پندارند حج به امور اقتصادی مسلمانان صدمه می‌زند، در روایات بسیاری آمده است که نه تنها حج سبب تنگنایی نمی‌شود، بلکه موجب برکت است. از سوی دیگر، در روایات آمده است که ترک حج، سبب نابودی نعمت و به وجود آمدن تنگدستی است.

پیامبر گرامی ﷺ در خطبه غدیریه فرمودند:

﴿مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا﴾.^{۱۷}

«ای مردم، برای حج رهسپار بیت‌الله شوید؛ زیرا هیچ خاندانی بر آن وارد نشدند، مگر آنکه بی‌نیاز گشتند و تخلف نمودند، مگر آنکه فقیر شدند.»

همچنین امیرمؤمنان علی ع فرمود: «وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمْ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَرْحَضَانِ

الذُّنْبَ»^{۱۸} «حج و عمره خانه خدا، برطرف کننده فقر و پاک کننده گناهان است.»

برای اثبات این مطلب که حج، عامل رونق اقتصادی و مهم‌ترین عامل فقرزدایی از جوامع اسلامی است، لازم است قدری در آیات قرآن و دستورات پروردگار متعال تأمل کنیم:

خداوند متعال، طی خطابی به حضرت ابراهیم ع، ضمن اعلام وجوب حج، به نقش مهم

اقتصادی حج پرداخته، می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾.^{۱۹}

منافع در این آیه، مطلق ذکر شده که یکی از مصادیق آن، منافع مادی و اقتصادی است؛ چنان‌که مفسران قرآن، وقتی به تبیین و تفسیر کلمه «منافع» پرداخته‌اند، مراد از آن را منافع دنیوی و اخروی دانسته‌اند.

از میان مفسران شیعه، مرحوم شیخ طوسی، امین الاسلام طبرسی و علامه طباطبایی، در تفسیر کلمه منافع نوشته‌اند: «مراد از منافع آن است که مردم در سفر حج، افزون بر بهره‌های معنوی و روحی و عبادی - در کنار برنامه حج - به تجارت و داد و ستد نیز بپردازند.»^{۲۰}

از میان مفسران اهل سنت نیز فخر رازی و ابن کثیر در تفسیر خود آورده‌اند: «مراد از منافع در آیه شریفه، منافع دنیوی و اخروی است؛ زیرا منافع دنیوی و اخروی، مختص عمل حج است و در سایر عبادات وجود ندارد.»^{۲۱}

همچنین از آنجا که ممکن بود در زمینه فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در ایام حج، در ذهن بعضی از افراد، شبهه و اشکالی به وجود بیاید، خداوند متعال برای رفع این شبهه فرموده است: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ﴾؛ «گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان [و از منافع اقتصادی در ایام حج] طلب کنید.»^{۲۲}

در شأن نزول این آیه شریفه از ابن عباس نقل شده است که گفت:

«در جاهلیت، ذوالمجاز و عکاظ، محل تجارت مردم بود. پس از ظهور و پیروزی اسلام، مردم نسبت به تجارت، کراهت داشتند؛ از این رو این آیه نازل شد که در موسم حج، گناهی بر شما نیست که فضل خداوند را طلب کنید.»^{۲۳}

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مردم، تجارت در حج را گناه می‌شمردند و خداوند با این آیه شریفه، گناه تجارت در حج را برداشت؛ «و فِي هَذَا تَصْرِيحٌ بِالِإِذْنِ فِي التَّجَارَةِ وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أُثْمَيْنَةَ»؛^{۲۴}

از مجموع آنچه در روایات، در باره بعد اقتصادی حج آمده، چنین برداشت می‌شود که هدف از بعد اقتصادی حج، تنها افزایش توان مالی مسلمانان است؛ چرا که بعد اجتماعی حج، پرنگ‌تر از جنبه‌های دیگر آن است. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه کریمه ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَتِيمَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾، در پاسخ به ابان بن تغلب که معنای آیه را پرسیده بود، فرمود: «جَعَلَهَا لِذِينِهِمْ وَ مَعَايِشِهِمْ».^{۲۵}

از این سخن برمی‌آید که قوام معیشت مردم، همپای قوام دین آنها، اهمیت بسیار دارد؛ چرا که اگر آنها فقیر و محتاج باشند، دیگر نمی‌توانند روی پای خود بایستند. کعبه و حج، در استقلال مسلمانان و پابرجایی آن، تأثیر فراوان دارد. از این رو، اجازه داده شده تا مسلمانان از این بازار بزرگ اسلامی که همواره جریان دارد، مانند یک مرکز تجاری بهره‌گیرند و تاجران، کشاورزان، دامداران و... فراورده‌های خود را عرضه کنند و از پیشرفت‌های اقتصاد و صنایع یکدیگر آگاه شوند و از طریق داد و ستد سود ببرند.

محمد بن سنان می‌گوید: امام علی بن موسی الرضا علیه السلام طی نامه‌ای که در پاسخ به پرسش‌هایی چند برای من نوشتند، از فلسفه حج نیز سخن گفتند و پس از ذکر اسرار عرفانی و آثار معنوی و فرهنگی و تربیتی و تاریخی، به بُعد اقتصادی نیز اشاره کردند. در بخشی از این نامه آمده است:

«وَمَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ ... وَ مَنُفَعُهُ مَنْ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَحِجُّ وَ مِمَّنْ لَا يَحِجُّ مِنْ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَايِعٍ وَ مُشْتَرٍ وَ كَاسِبٍ وَ مُسْكِينٍ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْإِجْتِمَاعَ فِيهَا، كَذَلِكَ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ».^{۲۶}

«از علل وجوب حج، منافعی است که از آن به همه مردم می‌رسد ... و منافعی است برای کسانی که در شرق و غرب یا خشکی و دریا هستند؛ چه آنهایی که حج می‌گذارند یا آنان که حج به جا نمی‌آورند؛ اعم از تاجر یا وارد کننده کالا، فروشنده یا خریدار، کاسب یا مستمند و نیز تأمین‌کننده نیازهای ساکنان اطراف و امکان‌های است که می‌توانند در موسم اجتماع کنند تا بدین وسیله شاهد منافع خود باشند.»

با کمی دقت می‌توان پی برد که آثار اقتصادی حج، تنها مربوط به حج‌گزاران نیست؛ بلکه میلیون‌ها انسان را در بر می‌گیرد. به علاوه، بازار بین‌المللی اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان اقتصادی مسلمانان، می‌تواند حافظ منافع مشترک و استقلال اقتصادی آنها باشد و شوکت مسلمانان را در دید جهانی به نمایش بگذارد.

امام صادق علیه السلام در روایتی به بیان این مطلب پرداخته و در پاسخ به هشام بن حکم که علت وجوب حج را پرسید، فرمودند:

«فَجَعَلَ فِيهِ الْإِجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا وَ لِيَتَرَبَّحَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ لِيَسْتَنْفَعَ بِذَلِكَ الْمُكَارَى وَ الْجَمَالَ ... وَ لَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِنَّمَا يَتَكَلَّمُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا هَلَكُوا وَ خَرِبَتِ الْبِلَادُ وَ سَقَطَ الْجَلْبُ وَ الْأَرْبَاحُ وَ عَمِيَّتِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يَقْفُوا عَلَى ذَلِكَ».^{۲۷}

«مقرر شد تا در این سرزمین، از شرق و غرب بیایند و یکدیگر را بشناسند و همه گروه‌ها از تجارت و حمل کالا از شهری به شهری بهره‌گیرند و چارپادار و شتربان سود برند ... و اگر قرار بود هر جمعیتی تنها از کشورها و شهرهای خود و حوادث و مسائل آنها سخن بگویند، مردم نابود می‌شدند و شهرها ویران می‌گردید و بازرگانی و سودآوری تعطیل می‌شد و اخبار و حوادث در پرده ابهام می‌ماند و کسی بر آنها آگاهی نمی‌یافت.»

چنان که ملاحظه می‌کنید، این روایت تأکید می‌کند که مردم نباید با تنگ‌نظری، تنها به مصالح خویش و منافع منطقه جغرافیایی خودبیندیشند؛ چرا که این نوع تفکر، با فلسفه جهان‌بینی و انسان دوستی و نگرش فراملیتی و برون‌مرزی اسلام در تضاد است. اسلام آیین بشریت است؛ بنابراین، در اجتماع عظیم حج، باید مصالح انسان‌ها و کشورها مد نظر قرار گیرد تا منافع آن شامل همه مردم شود و در پی آن، فقر و تهی‌دستی از جامعه برافتد، عمران و آبادی بیاید و تمدن اسلامی نیرومند شود. بدین ترتیب موسم حج، سایر کشورها و شهرها را نیز تغذیه می‌کند و افراد بسیاری در پرتو آن ارتزاق می‌کنند و بهره می‌گیرند و «تعاون اسلامی» در حج تحقق می‌پذیرد.

پیامبر خدا ﷺ در خطبه غدیریه به این نکته اشاره فرمود: «الْحَجَّاجُ مُعَاوَنُونَ، وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ، وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^{۲۸} «حج‌گزاران، مددکاران یکدیگرند؛ آنچه خرج می‌کنند، عوض داده شوند و خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.»

به طور خلاصه، در مورد اهداف و آثار تجاری - اقتصادی حج می‌توان گفت:

۱. فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند به برگزاری این مراسم عبادی - سیاسی یاری رساند.
 ۲. در پرتو حج، مردم بسیاری امرار معاش می‌کنند، چرخ‌های اقتصاد به حرکت در می‌آید و عمران و آبادانی حاصل می‌شود.
 ۳. قدرت اقتصادی مسلمانان می‌تواند در صحنه‌های بین‌المللی آنان را مقتدر سازد و از وابستگی برهاند.
 ۴. از این رهگذر، کار و اشتغال به وجود می‌آید و زمینه بسیاری از مفاسد اخلاقی را از میان می‌برد.
 ۵. حج فرصتی مناسب برای ارائه فرآورده‌های صنعتی و محصولات کشاورزی و سنتی مسلمانان در این بازار بین‌المللی اسلامی است. حج فرصتی است تا مسلمانان از رشد و توسعه کشورهای خود آگاه شوند، تبادل اطلاعات کنند، از تجارب یکدیگر بهره گیرند و رشد صنعت، کار و تولید را بالا ببرند.
- از واجبات حج که با معیشت مردم در ارتباط است، ذبح قربانی است. خداوند می‌فرماید:
- ﴿فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فُكِّلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ﴾^{۲۹} «و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت [و جان دادند]، از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید.»
- همچنین می‌فرماید: ﴿وَ فُكِّلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ «پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید»^{۳۰}

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

﴿إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْأَصْحَى لِتَسْعَ مَسَاكِينِكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطْعِمُوهُمْ﴾^{۳۱}
خداوند این قربانی کردن را قرار داد تا مستمندان شما از گوشت آنها به حد کافی بهره‌مند شوند؛ پس آنان را اطعام کنید و از گوشت قربانی بخورانید.
به همین خاطر، تعدد قربانی نیز مطلوب است و همه ساله میلیون‌ها رأس دام (گوسفند، گاو و شتر) در منا ذبح می‌شود که این سرمایه کلان و ارزشمندی است برای اطعام گرسنگانی که در سراسر جهان بسیارند و از کمبود غذا رنج می‌برند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸
۲. آل‌عمران: ۹۷
۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۸
۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۲۰
۵. ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾. ر.ک: حج: ۳۲
۶. نهج البلاغه، نامه ۴۷
۷. آل‌عمران: ۹۶
۸. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۶
۹. نهج البلاغه، خطبه ۱
۱۰. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴
۱۱. توبه: ۳-۱
۱۲. خداوند در آیه ۳ سوره توبه، از این روز با عنوان حج اکبر یاد می‌کند.
۱۳. پیامبر خدا ﷺ علاوه بر دستور به ابلاغ برائت از مشرکان، احکامی مانند عریان طواف نکردن، نزدیک نشدن مشرکان به مسجد الحرام و ... را نیز به برائت اضافه کرد. ر. ک: تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۱۸۲
۱۴. مصباح الشریعه، صص ۱۶ و ۱۷
۱۵. همان، ص ۴۸
۱۶. بحارالانوار طبع قدیم، کتاب الحج، ص ۵۹، به نقل از عرفان حج آیت الله جوادی، ص ۱۰۶
۱۷. احتجاج طبرسی، ص ۶۴

۱۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰
۱۹. حج: ۲۷ و ۲۸
۲۰. مجمع البيان، ج ۷، ص ۱۲۹؛ التبيان، ج ۷، ص ۳۱۰؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۲۱
۲۱. تفسیر الكبير، ج ۲۳، ص ۲۸؛ تفسیر القرآن العظيم، اسماعيل بن كثير الدمشقي، ج ۳، ص ۱۸۸
۲۲. بقره: ۱۹۸
۲۳. اسباب النزول، علي بن احمد واحدی، ص ۳۸
۲۴. مجمع البيان، الطبرسي، ج ۲، ص ۵۲۷؛ روح المعاني، ج ۲، صص ۸۶ و ۸۷
۲۵. وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۴۱
۲۶. عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۰؛ علل الشرائع، ص ۴۰۵
۲۷. علل الشرائع، صص ۴۰۵ و ۴۰۶
۲۸. احتجاج طبرسي، ص ۶۵
۲۹. حج: ۳۶
۳۰. حج: ۲۸
۳۱. علل الشرائع، ص ۴۳۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

افتخار و نزرستی

پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی